



زهرا گوربانی «ابزورد» اثری متفاوت از سیدجواد اشکذری است که در ۷۲ صفحه توسط انتشارات آزاد سرو در پاییز ۱۴۰۰ منتشر شده است.

ابزورد در لغت به معنای پوچ، بی معنایی، پوچ انگاری، عبث و... است که بیشتر در حوزه تئاتر به کار می‌رود.

مجموعه شعر ابزورد از لحاظ ساختاری به بازی‌های زبانی، تکرار و استفاده از ترکیبات و عناصری که چندان در شعر متداول نیست گرایش دارد و چنان که از نامش پیداست از ویژگی‌هایی که برای تئاتر ابزورد و نمایش نامه‌هایی که در این حوزه نگاشته شده است بهره برده و در واقع بسیار به نامش وفادار است.

صفحه‌آرایی «ابزورد» نیز به شیوه مرسوم مجموعه‌های شعر نیست و کتاب در چهار پرده تنظیم شده است که هر پرده شامل چند ابزورد است و هر کدام نامی جداگانه دارد. همین امر در وهله اول مخاطب را متوجه می‌کند که با اثری متفاوت روبه‌روست و این تفاوت در صفحه‌بندی آن نیز مشهود است. در این اثر، عنصر تکرار بسیار پررنگ است و مفهوم معناپاختگی و بی‌منطقی در فضای کلی این مجموعه جریان دارد. چنان که در شعر «منتظر شدم تا تونیایی» با بهره‌گیری از تکنیک تکرار فضای پوچ و عبث‌گونه‌ای در ذهن مخاطب تداعی می‌شود. پارک کردم/ در کنار چشم‌های پارک شده‌ات/ پارک متروک «ملت»/ تو نیامدی/ پارک خلوت بود/ تئاتر شهر شلوغ بود/ اما تئاتر نداشت/ تئاتر شهر شلوغ بود/ اما تماشاگر نداشت/ پارک خلوت بود/ نیمکت‌ها جایی برای نشستن نداشت... که این شعر همین‌طور تا پایان مخاطب را به یک فضای مبهم پرت می‌کند.

یکی از ویژگی‌هایی که در جای جای این اثر دیده می‌شود اشارات بینامتنی است. مخاطب در این مجموعه بارها با ارجاعات بیرونی به مسائل روزمره، کتاب‌ها، نام‌ها، فیلم‌ها و... پیوند می‌خورد.

پشت فرمان نشستم/ اما من.../ تو آن سمت بولوار ایستاده بودی/ ماشین را روشن کردم/ اما من.../ گاز دادم/ تو آن سمت بولوار ایستاده بودی/ دور زدم در هفت فرمان/ ایستادم/ تون نشستی، کمر بندت را بستی/ دنده یک، دنده دو/ من گاز دادم/ نماز را به سرعت تمام کردم، سمت «پیروزی»/ اما من...

در این کتاب از ابتدا تا انتها با یک روایت روبه‌رو هستیم و آن گونه که در شناسنامه کتاب اشاره شده است این اثر یک منظومه بلند است و همان‌طور که از آن انتظار می‌رود کلیت اثر در راستای یک روایت منسجم در قضا و موقعیتی شاعرانه پیش می‌رود.

در مقابل آیینة نشستنی/ با چشم‌های بسته خیره شدی/ به ابرو و چشم‌های من/ امن بی تاب‌ترین مردم سالن انتظار با دسته گل رزی در دست/ و توشترین نقش اصلی صحنه با گرمی پیچیده/ و سایه‌ای سنگین به روی چشم‌هایت/ نورها رفتند، نورها آمدند، تو بودی/ صحنه روشن، صحنه تاریک، تو بودی. در برخی پاره‌های این مجموعه، عاطفه و احساسی که از شعر انتظار می‌رود کم‌رنگ می‌شود، اما در فرازهایی با بهره‌گیری از عنصر خیال مخاطب شاهد تصویرهای بکر و تازه‌ای می‌شود. تصاویری که بر پایه المان‌ها و اصطلاحات تئاتری است. در واقع همان‌طور که جواد اشکذری در پشت جلد کتاب اشاره کرده به نقطه مشترکی میان شعر و تئاتر رسیده است.

من گرم گرم/ تو سر سرد/ میز آنسن من مقابل تو/ فرار تو از مقابل من/ تو نقش اصلی من بودی/ من فرعی‌ترین نقش مکمل نگاه تو/ تمرین تمام شد/ وفردا/ آغاز شمارش معکوس برای ندیدن تو.

جواد اشکذری هنرمندی است که در عرصه تئاتر خوش درخشیده و از دانش هنری و ادبی خوبی برخوردار است. چاپ چندین کتاب در حوزه تئاتر و سینما نشان دهنده فعالیت مستمر این هنرمند است. کتاب‌های «تمام استاد»، «فواره و عبور»، «وسط پاییز»، «سایه همایون»، «بر سیبط بارش مهتاب»، «آقای صدای خاطره انگیز» و «تئاتر + ۱۰» از جمله آثار منتشر شده این هنرمند مشهدی است.

زین قدیر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

- **دوازده نکته در باره زبان فارسی که استاد بهروز صفرزاده فهرست کرده است:**
 ۱. فارسی یکی از زبان‌های خانواده زبان‌های هندو اروپایی است.
 ۲. فارسی از لحاظ تعداد گویش‌وران، بیست و پنجمین زبان در میان بیش از هفت هزار زبان جهان است.
 ۳. بعد از نفوذ اسلام در ایران، خط پهلوی به خط عربی تغییر یافت.
 ۴. بسیاری از واژه‌های فارسی با واژه‌های انگلیسی هم‌ریشه‌اند. مثلاً برادر، پدر و مادر.
 ۵. در فارسی تفاوت جنسیتی وجود ندارد و مثلاً ضمیر او، هم برای مرد به کار می‌رود هم برای زن.
 ۶. فارسی تنها زبانی است که در آن نشانه مفعول، یعنی حرف اضافه را، واژه مستقلی است.
 ۷. در فارسی امروز فقط حدود چهار مصدر ساده (بسیط) به کار می‌رود.
 ۸. فارسی یکی از توانا ترین زبان‌ها در ساختن واژه‌های مرکب‌باست.
 ۹. حدود نیمی از واژه‌های رایج در فارسی امروز وام واژه‌های عربی‌اند.
 ۱۰. مهم ترین زبان‌هایی که فارسی از آن‌ها واژه وام گرفته عبارت‌اند از: عربی، ترکی، فرانسوی، انگلیسی، روسی.
 ۱۱. دوزبان گونگی یکی از ویژگی‌های بارز فارسی است؛ یعنی زبان گفتار زبان رسمی نوشتار خیلی فرق دارد.
 ۱۲. لغت نامه دهخدا بزرگ‌ترین کتاب زبان فارسی است که در بیست و چهار هزار صفحه بزرگ چاپ و منتشر شده است.

#زین_قدیر_پرسی

مدیر رسانه‌ای یا رسانه‌ای برای مدیران؟

گزارشی از رونمایی کتاب «رسانه ایران: ۱۱۰ نکته رسانه‌ای برای مدیران عالی رتبه» نوشته سید مهدی امیری

گروه فرهنگ و ادبیات

چرا باید مدیران و کارگزاران دولتی و غیردولتی مهارت و سواد رسانه‌ای را بیاموزند؟ احتمالاً خیلی‌ها بیتان ویدئوهای برخورد زنده و عجیب



برخی از مدیران با خبرنگاران را دیده‌اند. اینکه چطور طلبکارانه و از موضع بالا به پرسش‌های انتقادآمیز پاسخ می‌دهند. متأسفانه برخی‌شان گمان می‌کنند رسانه‌ها و خبرنگاران‌شان روابط عمومی آن‌ها هستند که چشم بر همه کاستی‌ها ببندند و چیزی خلاف میل مدیر

مربوط نویسند و منتشر نکنند. پاسخ سؤال ابتدای گزارش روشن است: مدیری که سعه صدر نداشته باشد می‌تواند تمام خدمات و فعالیت مجموعه تحت مدیریتش را در مقابل نمایندگان افکار عمومی زیر سؤال ببرد. کتاب «رسانه ایران: ۱۱۰ نکته رسانه‌ای برای مدیران

نیز داشته باشند، چرا که امروز با جنگ رسانه‌ای و نرم‌افزاری روبه‌رو هستیم. شناخت و استفاده از ابزار رسانه باید به مهارت هر مدیری تبدیل شود. مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان همچنین در پایان سخنش از تهیه و توزیع این کتاب برای مدیران و مسئولان استانی خبر داد.



سید مهدی امیری:
این کتاب سرشار از مطالب ساندویچی در حوزه رسانه است که مدیران را تشویق به یادگیری مهارت‌های رسانه‌ای می‌کند

● با فقر محتوایی روبه‌رو هستیم

در ادامه عباس محمدیان، رئیس سازمان بسیج رسانه کشور، با بیان اینکه امروز عصر انقلاب فناوری، رشد و نمو

رسانه هاست، گفت: «در تاریخ حیات بشری آنچه که ماندگار بوده و هیچ جایگزینی برای آن تعریف نشده. کتاب است. از صدر اسلام با نازل شدن قرآن کریم تا به امروز هر آنچه‌که در جهان اتفاق

هفتمین چاپ از «این کیمیای هستی»، اثر محمدرضا شفیعی کدکنی منتشر شد: کتابی که در آن می‌توان از دریچه‌های گوناگون به دنیای ذهن و شعر خواجه شیراز نگریست. به گزارش تسنیم، انتشارات «سخن» هفتمین چاپ از مجموعه «این کیمیای هستی»: اثری از محمدرضا شفیعی کدکنی را روانه کتاب‌فروشی‌ها کرد. این مجموعه سه جلدی حاصل درس گفتارهای شفیعی کدکنی است که در طول سال‌هایتمادی ارائه شده است. تسلط مؤلف بر ادبیات صوفیانه و آشنایی با مکاتب عرفانی از یک سو و اشراف او به ادبیات فارسی از سوی دیگر سبب شده است تا مخاطب با کتابی مواجه باشد که در کنار شناخت شخصیت و ماهیت حافظ، نکات و اطلاعات بیشتری درباره دیگر زمینه‌ها نیز کسب کند. شفیعی کدکنی که پیش از این نیز در آثاری چون «صور خیال در شعر فارسی» به ریشه‌یابی برخی از تصاویر در ادب فارسی و مقایسه آن با ادبیات عرب پرداخته بود، در

این اثر نیز این فرصت را به خواننده خود می‌دهد که از این وجه، شعر خواجه شیراز را ارزیابی کند و بشناسد. هرچند همان‌طور که ذکر شد، در آثار پیش از این نیز پژوهشگران متعددی سعی در شرح و شناساندن شعر لسان‌الغیب داشتند، اما مزیت «این کیمیای هستی» در آن است که مخاطب می‌تواند از وجوه مختلف به شعر حافظ بنگرد و از آن لذت ببرد. به اعتقاد مؤلف: با اطمینان می‌توان گفت که هیچ ملتی، شاعری از نوع حافظ ندارد. فردوسی پیش و کم

یادی از حسین سرفراز که ۲۰ نشریه را سردبیری کرد

حسین سردبیر؛

قلمی مردی چون سرو خراسان



روزنامه نگار و خراسانی نوری رضا سلیمان نوری

است و البته بیشترین دوران یعنی از سال ۱۳۳۰ که برای آموختن تاریخ و جغرافیا راهی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد تا حدود سال ۱۳۶۰ که به آمریکا مهاجرت کرد ساکن تهران بود. او در کل این دوران و حتی چندین سال پس از آن، در آمریکا به شغل روزنامه‌نگاری مشغول بود. حسین سرفراز ابتدا کار روزنامه‌نگاری را در همان دوران دانشجویی با نوشتن مقاله، گزارش و تهیه گفت‌وگو برای نشریه «آزنگ» به سردبیری ایرج نبوی آغاز کرد و آن گونه پیشرفت که با پایان یافتن تحصیلات دانشگاهی به یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای و تمام‌عیار تبدیل شد و درست در همین روزگار برای نخستین بار سردبیری را با نشریه «دنیای جدید» تجربه کرد.

تجربه‌ای که برای او خوش‌یمن بود و بعد از آن تا پیروزی انقلاب اسلامی، سردبیر بیش از ۲۰ نشریه گوناگون چون مجلات «امید ایران»، «خواندنی‌ها»، «سپیدوسیا»، «روشنفکر»، «تهران‌صور»، «خوشه» و... شد و به عبارت بهتر حسین سرفراز نخستین گزینه نو فردی به مجموعه‌ای که قصد داشت نشریه‌ای را منتشر کند، برای مسئولیت سردبیری بود، زیرا می‌دانستند با حضور او در این سمت، نشریه‌ای پر مخاطب به بازار عرضه خواهد شد و بدین گونه وی در بین همکاران به حسین سردبیر مشهور شد،

قاضی دادسرای دیوان عالی کشور، حجت الاسلام علی اکبر سبزیان، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، سید مهدی امیری، نویسنده اثر و محمد آصفی یزدی، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی و هنری خانه تاریخ مشهد در کتابخانه مرکزی امام خمینی^(ع) رونمایی شد.

رسانه‌ای نوشت. در واقع این کتاب تلنگری برای مسئولان یا هر فردی است که رؤیای مدیریت شدن را در سر می‌پروراند. این کتاب حاصل تجربه‌یات من از سن سیزده سالگی تا به امروز در حوزه رسانه است.

وی گفت: اگر هنوز به مقام شهادت نائل نشده‌ام می‌توان با استناد به روایتی از حضرت امام صادق^(ع) مبنی بر اینکه «خون شهیدان و قلم در آخرت در یک کفه قرار می‌گیرند»، امیدوار باشم که این رسالت را با نگارش کتاب به انجام رسانده‌ام. امیری کتاب «رسانه ایران» را سرشار از مطالب ساندویچی در حوزه رسانه بیان کرد که با بیان برخی نکات مدیران را تشویق به یادگیری مؤلفه‌های موردنظر خود می‌کند. وی همچنین در پایان از انتشار «کدهای شیطان» با محوریت استفاده از فضای مجازی خبر داد. «رسانه ایران» ۱۱۰ نکته رسانه‌ای برای مدیران عالی‌رتبه، اثر سید مهدی امیری در ۱۷۰ صفحه توسط انتشارات رن‌گین کتاب، مشهد، سال ۱۴۰۱ و در قطع رقعی به چاپ رسیده است.

نظاری در جهان دارد و سعدی نیز. حتی جلال‌الدین مولوی هم، ولی حافظ مادر فرهنگ بشری بی‌ماند است؛ شاعری که شعر فارسی او را زاهدان و عارفان در قنوت نماز به جای ادعیه و آیات عربی بخوانند و در عین حال زندیقان هر دور ه‌ای شعر او را آئینه‌اندیشه‌های خود بدانند و از نظر «پیر خطاپوش» حافظ که بر قلم صنع چنان اعتراض خطرناکی کرده است، شادمان باشند و در زندگی روزانه، مردم مادیونانش را در کنار قرآن مجید سر سفره عقد و هفت سین سال نو قرار دهند و با آن فال بگیرند و استخاره کنند، چنین شاعری در جغرافیای کره زمین و در تاریخ بشریت منحصر به فرد است و همانند ندارد.



البته سرفراز تنها اهل انتشار مجله و هفته‌نامه نبود و مدتی هم با روزنامه «مردم» کار کرد و سپس نامش در جمع بنیان‌گذاران روزنامه «رستاخیز» ثبت شد. او از جمله بنیان‌گذاران سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات و یک دوره رئیس هیئت مدیره آن نیز بود و مدتی هم مسئولیت مجله جوانان وابسته به روزنامه رستاخیز را بر عهده گرفت و همین آخرین کار رسانه‌ای باعث شد تا در سال‌های نخست پس از انقلاب توانسد حسین سردبیر باقی بماند و در نتیجه ترک وطن کرد تا بار قامت از آغاز دهه هفتاد ۱۰۵ شماره نشریه هفتگی ایران‌خبر را در آنجا منتشر کرد. اما خوب بالا رفتن سن و تولد رسانه‌های وابسته به رژیم سابق بسیار در آن دیار باعث شد تا او برای حفظ سلامت خود کم‌کم از فضای خبر دور شده و با دل مشغولی دیگر قلمی خود، یعنی شاعری و البته فعالیت در کانون دوستداران فرهنگ ایران در واشنگتن روزگار را سر کند. او که نخستین مشق‌های شاعری خود را سال ۱۳۴۳ با انتشار مجموعه شعری نیلگون در عرصه نقد عموم گذاشته بود. آخرین اشعار خود را در غربت و تحت عنوان «مثل سرو کاشمر» منتشر کرد تا نداده‌دهد که ایرانی‌اش مثل فرهنگ همچون سرو کاشمر همیشه مانا و جاودان است. مانا یادش چون سرو کاشمر.